

صفحات ۱۸۰ - ۱۶۳

الگوی پیاده سازی تربیت اخلاقی مبتنی بر الزامات کرامت انسانی با تاکید بر دیدگاه کانت و شهید مطهری

میترا فرهنگ اصفهانی^۱سید هاشم گلستانی^۲علی رضا یوسفی^۳

چکیده

در این مقاله بر آنیم (هدف) که الگو و مدل تربیت اخلاقی مبتنی بر الزامات کرامت انسانی را از منظر ایمانوئل کانت و مرتضی مطهری ارائه نمائیم. لذا در ابتدا مفهوم شناسی کرامت و محتوای واژه کرامت انسانی و اهمیت آن در اندیشه کانت و مطهری مورد واکاوی قرار گرفته است و در انتها تربیت اخلاقی مبتنی بر الزامات کرامت انسانی (دلالت های تربیتی الزامات کرامت انسانی) با استفاده از (ابزار) آثار این دو اندیشمند مسلمان و مسیحی تحلیل و بررسی شده است. تحقیق حاضر با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و فیش‌های تحقیقی و داده‌های مطالعاتی به بررسی موضوع پژوهش پرداخته و به سوالات و ابهامات فهمی در این زمینه پاسخ داده است.

واژگان کلیدی

الگو و مدل، الزامات کرامت انسانی، تربیت اخلاقی، مفهوم کرامت انسانی.

۱. دانشجوی دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، ایران

Email: mitra.farhang4@gmail.com

۲. استاد گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، ایران (نویسنده مسئول)

Email: golestani1315@gmail.com

۳. استاد مرکز تحقیقات آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ایران

Email: ar.yousefy@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۹/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲۱

طرح مسأله

مفهوم کرامت از درخشان‌ترین مفاهیمی است که بر پایه‌های فلسفه اخلاق کانت استوار است. در نظام فکری کانت، آدمیان از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. انسان دارای یک ارزش ذاتی است و همین امر او را از مخلوقات دیگر متمایز می‌کند. لذا کانت از اصطلاح کرامت انسانی استفاده کرده و منشأ آن را در استعدادهای انسانی می‌داند و نیز از نظر کانت ارزش انسان، ذاتی است و درونی و انسان به طور تکوینی از آن بهره‌مند است و همین امر باید مبنای رفتار ما قرار گیرد. بدین معنا که به انسانیت و کرامت انسانی هر فرد احترام بگذاریم و با آن‌ها صرف نظر از موقعیت‌های اجتماعی و اعتقادی برابر رفتار کنیم؛ «تمام افراد بشر، از بدو تولد به لحاظ کرامت و حقوق بشری برابرند. همه آنها از موهبت عقل و وجدان برخوردارند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.» (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸، ماده اول) لذا فکر کانت مهمترین سنت فلسفی است که می‌تواند بر مبنای یک قرارداد عقلانی، توجیه‌گر حقوق بشر باشد. کانت تعهد احترام به حیثیت انسانی و آزادی را نه همچون وحی مداران بر مبنای فرامین الهی و نه همچون هیوم محصول امیال انسانی و یا نتیجه اراده حکومت‌ها نمی‌دانست، بلکه تکلیف و تعهد به احترام به انسان‌ها که خود این تعهد، ریشه حقوق بشر معاصرست را صرفاً مبتنی بر عقلانیت انسان‌ها توجیه کرد. (کورت، ۱۳۸۴) و اما در اندیشه مطهری، انسان نه تنها ذاتاً دارای کرامتی خاص است که موجب ارتقاء او به مقام خلافت خداوند می‌گردد، بلکه انسان با تربیت یافتن در مکتب وحی نیز می‌تواند کرامت را در خود رشد دهد و علائم و نمودهای آن را در خود تقویت نماید و به اصطلاح از کرامت اکتسابی برخوردار گردد (آشورماهانی، ۱۳۹۲) لذا هر دو اندیشمند معتقد به کرامت انسانی هستند و آنرا الزامی می‌دانند. اما کرامت از نگاه مطهری محصور به کرامت ذاتی نیست.

پیشینه تحقیق

معتدلی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان: «کرامت نفس و آثار اخلاقی و اجتماعی آن در کلام امیرالمومنین (ع)» بیان می‌دارد: با اندک توجه به کرامات و نعمت‌های خداوند، دو گونه کرامت را می‌توان برای انسان متصور شد نخست کرامت عامه که تمام موجودات را دربر گرفته و اشاره به رحمت عام پروردگار دارد و همگان در برخورداری از آن حق یکسانی دارند. و نوع دیگر کرامتی است که تنها کسانی را شامل می‌شود که قدمی بیش از دیگران در مسیر سعادت خویش برداشته‌اند و با اطاعت از فرامین الهی و سر تسلیم فرود آوردن در مقابل تکالیف او سعی کرده‌اند تا مقام خلیفه الهی که خداوند بعنوان پیش فرض برای همه‌ی انسانها قرار داده است. عابدین پور (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان: «بررسی و تبیین نظری کرامت انسان در تربیت اسلامی از دیدگاه علامه محمدحسین طباطبایی» تبیین می‌نماید: هدف تحقیق اصل کرامت انسان در

تربیت اسلامی است. روش تحقیق و یافته‌ها: با توجه به این که تحقیقات در خصوص موضوع مذکور از نوع بینادی-نظری می‌باشد، روش انجام تحقیق، از نوع توصیفی کتابخانه‌ای است. و به همین منظور، منابع داخلی و خارجی و نیز منابع فقهی و اسلامی به زبان فارسی و غیر آن که مرتبط با موضوع بوده، مورد بررسی قرار گرفت که در آن به بیان ادله کرامت انسانی و انواع آن از نظر علامه طباطبایی پرداخته است. صالح پرور (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان: «کرامت نفس و معنا داری زندگی از دیدگاه علامه طباطبایی» بیان می‌دارد: در نوشتار حاضر با توجه به موضوع که کرامت نفس و معنا داری زندگی از دیدگاه علامه طباطبایی می‌باشد اهداف پیش بینی شده در این تحقیق، نهادینه نمودن اخلاق اسلامی در جامعه با تکیه بر کرامت انسانی و تلاش در جهت تحقق جامعه‌ای عدالت محور و صداقت محور و مهر ورز با تکیه بر کرامت انسانی و ارایه مدلی از سبک زندگی معنا دار بر اساس نظر علامه طباطبایی که به روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است منابع مورداستفاده تفاسیر مختلف قرآن (عربی و فارسی) مبانی انسان شناسی (قرآن و کتب دیگر)، کتب مختلف علامه طباطبایی. ویلسون (۲۰۰۲) در پژوهشی تحت عنوان «اخلاق، کرامت و پراگماتیسم» استدلال می‌کند اخلاق به عنوان سنت تفکر اخلاقی با رواقیون آغاز می‌شود و ساختارهای سنت فکر اخلاقی و کلا اخلاق برای همه انسان‌ها به نوعی لازم است و اخلاق مبنای اساسی پاسخگویی به ارزش زندگی انسانی است. این پایان نامه بررسی و بازسازی اخلاق و ارائه روابط میان اخلاق و زندگی انسان است با نشان دادن یک اتصال لازم بین فردیت انسان و اذعان به کرامت انسان. هریسون (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان: «کرامت انسانی: آوردن قانون به زمین» بیان می‌دارد: کرامت نوعی نظارت اجتماعی است به نحوی که در مردم حس خوبی را ایجاد می‌کند تا تعقل کنند و تأمل نمایند برای حرکت در راه‌های خوب به نفع خود و جامعه مردمی. کرامت باعث می‌شود انسانها محدودیت‌های اجتماعی را بپذیرند و برای دیگران عزت قائل شوند لذا شایستگی و ارزشمندی برای انسان حاصل می‌شود به گونه‌ای که انسانهای مثبت و پویا در جامعه پدیدار می‌شوند. لذا کرامت به عنوان استدلال منطقی در اخلاق در نظر گرفته می‌شود. کرامت جوامع را موظف به مراقبت و همکاری می‌کند. شایستگی و ارزشمند بودن از مثبت بودن انسان در جامعه پویا پدیدار می‌شود و کرامت قانون ارزش شایسته بودن در جامعه معاصر است. موربرگ (۲۰۱۶) در پژوهشی تحت عنوان «کرامت انسانی: مطالعه در اخلاق پزشکی» کرامت انسانی یک اصل اخلاقی می‌داند و سوالات مورد بحث در این پایان نامه در مورد اصل کرامت و معنای این مفهوم است، تکیه بر اصل استقلال انسان و منزلت او در پزشکی در مبحث اخلاق پزشکی مطرح می‌شود. این تحقیق کیفی است با تجزیه و تحلیل نظری روایات از مصاحبه با پزشکان در باره شان و منزلت انسان در آغاز (نوزادی) و پایان (کهنسالی) می‌باشد و این پژوهش به عنوان اخلاق تجربی طبقه بندی شده است که نتایج

حاصل از این مطالعه شان و منزلت بشر را روشن می‌سازد لذا کرامت است که به توانایی انسان مانند استقلال و عقلانیت در ارتباط است.

متد:

روش تحقیق حاضر تحلیل محتوا است و مراحل آن به شرح زیر است:

۱. فرضیه های تحقیق
۲. تعریف جامعه آماری
۳. انتخاب نمونه
۴. دسته بندی محتوا
۵. کدگذاری محتوا
۶. تجزیه و تحلیل داده ها
۷. نتیجه گیری

در این روش، محقق با بررسی اصطلاحات، عبارات و جملات، نماینده پیام را پیدا خواهد کرد. بنابراین، محقق آنها را طبقه بندی خواهد کرد تا هر مفهوم و نماینده آن را شناسایی کند. در این تحقیق، روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ها و ابزار جمع آوری داده ها یادداشت برداری از اطلاعات درون سوالات تحقیق است.

مفهوم شناسی کرامت "تحلیل محتوای واژه کرامت و اهمیت آن" در اندیشه مطهری

گرامی داشتن انسان از انسان یک امر اعتباری و قراردادی نیست، خداوند کرامت و شرافت و بزرگواری را درسرت و آفرینش انسان قرارداده است. (اسراء/۷۰) لذا کرامت جزئی از سرشت انسان است. (وزیری، عابدی، ۱۳۹۵) مطهری بطور عموم در همه کتب خود، وقتی به آیه فوق می‌رسد، بحث کرامت ذاتی، حیثیت و شرف ذاتی را پیش می‌کشد و بر آن تأکید می‌کند که انسان دو نوع کرامت دارد، کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی. (مطهری، ۱۳۹۳) کرامت ذاتی انسان شرافتی است که تمامی انسان ها به دلیل داشتن توانایی تعقل، تفکر، آزادی، اراده و اختیار و وجهه الهی، به طور فطری و یکسان از آن برخوردارند. لذا کرامت انسان در اندیشه مطهری، نه بر مبنای یک امر قراردادی و اعتباری، بلکه بر اساس یک امر هستی شناختی و اصیل، که منشأ آن ذات خلقت بشری است و نیز بر مبنای احکام و فرامین الهی توجیه می‌شود. بنابراین کرامت انسانی اساس و پایه اصلاحات و تحولات مثبت در هر جامعه است. چرا که، پیشرفتی در اوضاع امت از لحاظ سیاسی و حقوقی صورت نمی‌گیرد، مگر از طریق پاسداشت کرامت انسانی چه به صورت فردی و چه به شکل گروهی و نیز روش‌های آموزش و پرورش بدون اعاده اعتبار به وجود انسان و نظر و حقوق او به پیش رانده نمی‌شوند و بنیان خانواده و اجتماع بدون محافظت از کرامت همه مردم استقرار پیدا نمی‌کند، زیرا مردم، خانواده را تشکیل می‌دهند و هیچ توسعه گسترده ای در جوامع

ما بدون حفظ حقوق و کرامت انسانی شکل نمی‌گیرد. (رضوانی پور، ۱۳۸۶؛ وزیری، عابدی، ۱۳۹۵) لذا انسان در آغاز وجود، نسبت به حیوان و جماد و نبات استعدادها و بهره‌های تکوینی بیشتری دارد (کرامت ذاتی) ولی با توجه به اختیاری که دارد می‌تواند از این بهره‌ها و کمالات در نهایت امر، خود را کاملتر کند (کرامت اکتسابی) و از همه موجودات فراتر رود. (حسینی، ۱۳۸۸) در نظر مطهری آنچه در تعلیمات اسلامی موجب کرامت و احترام ذاتی انسان می‌شود، روح قدسی و ملکوتی، برگزیدگی و اصطفا شایستگی برای قبول مسؤولیت، داشتن ترازوی عدل در ضمیر خود، فطرت، آگاهی به اسماء الله، داشتن محرکات عالی مانند رضوان الهی و مقصود خلقت بودن. (حسینی، ۱۳۸۸) لذا خداوند وقتی انسان را آفرید و از روح خود در او دمید و فرمود: فتبارک الله أحسن الخالقین. (حسینی، ۱۳۸۸) بنابراین به اعتقاد مطهری، شخصیت واقعی انسان به روح الهی اوست، آن خود واقعی، منش واقعی و شخصیت واقعی انسان به همان "نفخت فیه من روحی" است و بدن جنبه آلت و عاریت دارد و چیزی شبیه لباس برای آن است. (حسینی، ۱۳۸۸) و با اشاره به آیه شریفه ۱۳ سوره حجرات که کرامت اختیاری و اکتسابی انسان را بیان می‌کند:

"همانا گرمی‌ترین شما نزد خداوند با تقوی‌ترین شماست."

مطهری معتقد است، انسان از دو جهت توانایی دارد، یکی از جهت این که در انسان یک سلسله میل‌ها و جاذبه‌های معنوی وجود دارد که در سایر جاندارها وجود ندارد و به انسان امکان می‌دهد که دایره فعالیتش را از حدود مادیات توسعه دهد و تا افق عالی معنویات بکشد. دیگر از آن جهت که به نیروی عقل و اراده مجهز است، قادر است در مقابل میل‌ها مقاومت و ایستادگی نماید و خود را از نفوذ جبری آن‌ها آزاد نماید و بر همه میل‌ها حکومت کند و همه میل‌ها را تحت فرمان عقل قرار دهد و به این وسیله آزادی معنوی که با ارزش‌ترین نوع آزادی است کسب نماید و همین است که انسان را شایسته تکلیف کرده است و همین است که به انسان حق انتخاب می‌دهد و همین است که انسان را به صورت یک موجود واقعا آزاد و انتخابگر و صاحب اختیار در می‌آورد. (مطهری، ۱۳۸۹) بنابراین فرستادن پیامبران، نازل کردن کتابهای آسمانی، آیه‌های وعد و وعید، آزمایش و میثاق عام و خاص همگی دلالت بر مختار بودن انسان می‌کند. و در نظر مطهری، اختیار مبنای قانون، اخلاق، مقررات، نبوت، رسالت و کتب آسمانی است. (حسینی، ۱۳۸۸)

یافته‌ها

نتیجه تحلیل واژه کرامت مطهری
کرامت
گرمی داشتن انسان از انسان یک امر اعتباری و قراردادی نیست، بلکه بر اساس یک امر

<p>هستی شناختی و اصیل، که منشأ آن ذات خلقت بشری است و نیز بر مبنای احکام و فرامین الهی توجیه می شود. خداوند کرامت و شرافت و بزرگواری را در سرشت و آفرینش انسان قرارداده است. لذا کرامت جزئی از سرشت انسان است</p>
<p>کرامت انسانی</p> <p>کرامت و احترام ذاتی انسان به موجب روح قدسی و ملکوتی، برگزیدگی و اصطفا شایستگی برای قبول مسؤولیت، داشتن ترازوی عدل در ضمیر انسان، فطرت، آگاهی به اسماء الله، داشتن محرکات عالی مانند رضوان الهی و مقصود خلقت بودن است.</p>
<p>کرامت ذاتی</p> <p>کرامت ذاتی انسان، شرافتی است که تمامی انسان ها به دلیل داشتن توانایی تعقل، تفکر، آزادی، اراده و اختیار و وجهه الهی، به طور فطری و یکسان از آن برخوردارند و اساس و پایه اصلاحات و تحولات مثبت در هر جامعه است.</p>
<p>کرامت اکتسابی</p> <p>لذا انسان در آغاز وجود نسبت به حیوان و جماد و نبات استعدادها و بهره های تکوینی بیشتری دارد (کرامت ذاتی) ولی با توجه به اختیاری که دارد می تواند از این بهره های تکوینی و کمالات در نهایت، امر، خود را کاملتر کند (کرامت، اکتسابی) و از همه موجودات فراتر رود.</p>

جدول (۱) نتایج تحلیل "واژه کرامت" مطهری

مفهوم شناسی کرامت "تحلیل محتوای واژه کرامت و اهمیت آن" در اندیشه کانت مهمترین بعد انسان شناسی در اخلاق کانت، توجه ویژه به مفهوم کرامت و احترام ذاتی انسان است که به صورت جدی و اخلاقی، در اندیشه کانت نمود پیدا کرد و در آن کرامت انسان، مبنای اخلاق مدرن قرار گرفته است، کرامتی که جدا و مستقل از متافیزیک است. (دیرکس، ۱۳۸۹) در نظام فکری کانت، آدمیان از جایگاه ویژه ای برخوردارند. انسان دارای یک ارزش ذاتی است و همین امر او را از مخلوقات دیگر متمایز می کند. لذا در اندیشه کانت، کرامت ذاتی، نخستین و ابتدایی ترین ضمانت اجرایی در زندگی انسانهاست که بر اساس آن، انسان، فارغ از همه ی ویژگی های نژادی، دینی، از ارزش ذاتی، یکسان و جایگاه ویژه ای برخوردار است. (محمد پور دهکردی، ۱۳۹۱) از دیدگاه کانت ارزش انسان، ذاتی است و ارزش های مربوط به مهارت و توانایی انسان فقط وضعیت و موقعیت او را نشان می دهد نه این که دال بر ارزشش باشد. هرگاه تمام لذات زندگی از دست برود، حفظ کرامت ذاتی و شأن انسانی این زبان را جبران می کند و برای انسان تحسین و آفرین به بار می آورد و بدین ترتیب هرگاه همه چیز انسان از دست برود،

ارزش درونی او بر جای خواهد ماند. (کانت، ۱۳۸۰) او همین کرامت ذاتی را پایه‌ی تکلیف قرار می‌دهد و کسی که فاقد این ارزش درونی باشد را از "شخص بودن" خارج می‌داند که چنین کسی هیچ تکلیفی نمی‌تواند انجام دهد. (کانت، ۱۳۸۰) کانت، کرامت را صرفاً مربوط به انسان می‌داند، حتی در مورد خداوند فقط قداست را به کار می‌برد، و احترام و کرامت را مخصوص انسان می‌داند؛ قداست که از صفات خدایی است، غیر از حرمت است که صفتی انسانی است. پس حرمت خاص انسان است. (صانعی دره بیدی، ۱۳۸۴) کانت ارزش و کرامت را به این معنا ذاتی انسان می‌داند که هیچ موجود یا شی‌ی دیگری از آن برخوردار نیست. کانت معتقد است که، اگر اشیاء اصولاً ارزشی داشته باشند، صرفاً عارض و مشروط است. به عبارت دیگر اشیاء اعم از اینکه محصول طبیعت باشند یا مصنوع انسان، فقط تا جایی ارزش دارند که شخصی آنها را ارزشمند بداند. خواه به دلیل فایده‌ی آنها و یا به دلیل احساسی (سالیوان، ۱۳۸۹) و به همین دلیل است که کانت از مفهوم "شخص" یاد می‌کند که انسانها شخص هستند و نباید هرگز به عنوان "شی" دیده شوند. از نظر کانت، ما انسانها چنین موجوداتی هستیم و به این دلیل "اشخاص" نامیده می‌شویم. ما ارزش عینی داریم و باید نزد همه کس غایت محسوب شویم. (سالیوان، ۱۳۸۹) کانت از انسانها می‌خواهد که اول خود و بعد دیگران را به عنوان ابزار تلقی نکنند، و از فعلهایی که انسان را از "غایت صرف بودن" دور می‌کند، بپرهیزند. (سالیوان، ۱۳۸۹) چون مکلفیم که به نحوی شایسته با شان اخلاقی خویش زندگی کنیم، پس ملزم و موظفیم هم از نگرشها و هم اعمال منفی با کرامت خود و دیگران مانند دروغ و خست و فرومایگی و نوکر صفتی بپرهیزیم. (سالیوان، ۱۳۸۹) بسیار جالب به نظر می‌رسد که وقتی کانت بیان می‌کند که نباید به انسانها به چشم ابزار و وسیله نگریسته شود، این قاعده شامل خود شخص هم می‌شود. یعنی حفظ حرمت خویش واجب است و هیچ انسانی مجاز نیست که جهت نیل به اهداف خویش، تن به پستی، حقارت و چاپلوسی و تزویر بدهد. چون در این صورت به خویش بی‌احترامی روا داشته است. کانت معتقد است، در همه‌ی مکانها و زمانها، انسان دارای احترام است. کسانی که می‌گویند حقوق و تکالیف نسبت به اوضاع و احوال دینی، تاریخی و فرهنگی و غیره متغیر است، پس اساس آنچه به عنوان حقوق بشر اعلام شده است و سازمان ملل متحد آنرا بر همه‌ی ملتها واجب شمرده چیست؟ پاسخ از دیدگاه کانت آنست که، کرامت انسان، اگر دنیا زیر و رو شود، همچنان پابرجاست. کانت استدلال می‌کند که، آنچه به هر کس کرامت می‌دهد نه مقام اجتماعی یا استعدادی ویژه و یا موقعیت، بلکه نیروی فطری عقل است. (سالیوان، ۱۳۸۹)

یافته‌ها

<p>نتیجه تحلیل واژه کرامت کانت</p>
<p>کرامت</p> <p>مهمترین بعد انسان شناسی در اخلاق کانت، توجه ویژه به مفهوم کرامت و احترام ذاتی انسان است. لذا نخستین و ابتدایی ترین ضمانت اجرایی در زندگی انسانهاست که بر اساس آن، انسان، فارغ از همه ی ویژگی های نژادی، دینی، ارزش ذاتی، یکسان و جایگاه ویژه ای برخوردار است.</p>
<p>کرامت انسانی</p> <p>کانت، کرامت را صرفا مربوط به انسان می داند، حتی در مورد خداوند فقط قداست را به کار می برد، و احترام و کرامت را مخصوص انسان می داند. لذا به همین دلیل است که کانت از مفهوم "شخص" یاد می کند که انسانها شخص هستند و نباید هرگز به عنوان "شی" دیده شوند. بنابراین کانت معتقد است، تعهد احترام به حیثیت انسانی و آزادی ریشه حقوق بشر معاصرست و بر مبنای عقلانیت انسانهاست.</p>
<p>کرامت ذاتی</p> <p>از دیدگاه کانت ارزش انسان، ذاتی است و هرگاه همه چیز انسان از دست برود، ارزش درونی او بر جای خواهد ماند. او همین کرامت ذاتی را پایه ی تکلیف قرار می دهد و کسی که فاقد این ارزش درونی باشد را از «شخص بودن» خارج می داند که چنین کسی هیچ تکلیفی نمی تواند انجام دهد.</p>

جدول (۲) نتایج تحلیل "واژه کرامت" کانت

بحث

تربیت اخلاقی مبتنی بر الزامات کرامت انسان از دیدگاه مطهری

امروزه در ادبیات حقوقی و اجتماعی معاصر، کرامت انسانی عبارت است از اینکه انسان به ما هو انسان عزیز و شریف و ارجمند است و نیز در تدوین حقوق بشر آنچه مبنای اصلی قرار گرفته است ملاحظه انسان است از آن حیث که انسان است، نه معیارهایی چون رنگ، نژاد، زبان، جغرافیا، طبقه اجتماعی، اعتقاد دینی که این امور، هیچ کدام در نگاه آنان ذاتی انسانها نیستند و به تعبیر مطهری این اعلامیه نمی گوید، مؤمنان برابرند یا هموطنان برابرند بلکه بیان می دارد انسانها برابرند. (مطهری، ۱۳۷۹) و نیز انسان فارغ از اجتماع در زندگی فردی دارای حق کرامت است و رعایت و حفظ آنها بر او فرض و لازم است. اکنون باید دید که این معنا از کرامت انسان

در اندیشه مطهری، چه الزاماتی تربیتی را در پی دارد:

۱. تربیت اخلاقی مبتنی بر حق حیات " الزام کرامت انسانی "

نخستین مورد از الزامات کرامت انسانی در دیدگاه مطهری، حق حیات است زیرا انسان برتر از انسان دیگر و انسان تربیت یافته را باید در ضمن حیات معقول و مدینه فاضله و جامعه مطلوب مورد جستجو قرار داد. لذا حیات و زندگی بزرگ‌ترین موهبت الهی است که به انسان عطا شده است و مهم‌ترین حق انسان، حق حیات است و سایر حقوق از این حق نشات می‌گیرند؛ زیرا اگر زندگی و حیاتی نباشد، حقوق دیگر مصداقی نخواهد داشت. این حق، از جانب خداوند در امانت آدمی است و انسان مأمور و مکلف به حفظ آن است و به عقیده مطهری، همه شرایع بر این مطلب اتفاق دارند که حفظ حیات و تعهد بدان واجب است. (یدالله‌پور، مودب، ۱۳۹۳) حق حیات از الزامات کرامت انسانی است و نیروهای کرامت بخش و زمینه ساز تربیت اخلاقی انسان است زیرا فضائل و کمالات تنها در صحنه زندگی اجتماعی برای انسان بروز و ظهور پیدا می‌کنند. (مطهری، ۱۳۷۹) لذا انسان قادر است بر مبنای حیات خویش با کسب فضایل و کمالات فراتر از حیات ظاهری و حیوانی خود رفته و در جهت معنوی، کمالاتی را تحصیل و حیات معقول و وحیانی خویش را در مسیر انسانیت ارتقا بخشد و به اصلاح نفس و تربیت یافتگی دست یابد. (مطهری، ۱۳۹۲)

۲. تربیت اخلاقی مبتنی بر حق آزادی " الزام کرامت انسانی "

دومین مورد از الزامات کرامت انسانی حق آزادی است. بحث از حق حریت و آزادی یکی از مهم‌ترین مباحث در حقوق اساسی انسان‌هاست. به تعبیر مطهری، روح آزادی و حریت در تمام دستورات اسلام به چشم می‌خورد. (یدالله‌پور، مودب، ۱۳۹۳) آزادی از نیروهای کرامت بخش و زمینه ساز تربیت اخلاقی انسان است زیرا در نگاه مطهری، عمل نیک و اخلاق کریمه‌ای برای انسان فضیلت شمرده می‌شود که در شرایط آزاد از او ظهور و بروز یابد. (مطهری، ۱۳۷۹) لذا انسان به قدرت همین آزادی است که توان تأثیر گذاری بر عوامل وراثتی و محیطی پیرامون خویش را برای اصلاح نفس و تربیت اخلاقی خود دارد. به عقیده مطهری، انسان می‌تواند با اراده آزاد و رشد یافته خویش بر علل و عوامل وراثتی، محیط طبیعی و جغرافیایی، محیط اجتماعی و موقعیت تاریخی تا حدود بسیاری غلبه کند. (مطهری، ۱۳۷۶) پس در راستای تربیت اخلاقی انسان مبتنی بر الزامات کرامت انسانی و برای آزاد سازی خرد و عقل فرد و رشد تعقل وی در فعالیت هایش باید آگاهانه و با آزادی اراده، فکر خود را متوجه اصلاح کار خویش کند و فکرش در این زمینه عادت کند که همواره منظم کار کند. (مطهری، ۱۳۸۵) و در عباداتش باید اراده آزاد فرد بر خواهش های نفسانی پیروز گردد و بر قوه متخیله خویش ولایت پیدا کند و آن را مطیع خود سازد به گونه ای که دیگر نتواند مزاحم روح او باشد، آن گاه که تمایلاتش طبق ساقه فطری

خداخواهی میل به بالا کند. (مطهری، ۱۳۷۸) و نیز بتواند با آزادی و حریت به تحصیل تقوا بپردازد تا بدین وسیله از روح خود نگهداری کند در برابر آنچه نزد خداوند بد و رذیله است زیرا تقوا صفای روح می آورد و آن تیرگی‌هایی را که باعث می شود فرد از روشن بینی‌های ویژه اش (قدرت بصیرت) استفاده نکند را از بین می برد. (مطهری، ۱۳۸۲) بنابراین دراندیشه مطهری، انسانها باید همواره از شرایط لازم برای پرورش استعدادهای خویش در راستای تربیت اخلاقی برخوردار باشند، لذا می توان گفت که «آزادی نبودن مانع در راه نمود تکامل و تجلی شخصیت آدمی است». (صناعی، ۱۳۵۴) بنابراین در تربیت اخلاقی باید زمینه فعالیت آگاهانه و آزادانه فرد را فراهم کرد و او را از اسارت هواها و هوسها و عوامل خارجی رها ساخت و شرایط و عوامل شکوفایی را برای وی فراهم آورد تا به باروری خویشتن بنشینند و سرنوشت خویش را رقم بزنند. لذا در اسلام حق آزادی در حد حق حیات از اهمیت برخوردار است. ظهور کامل آزادی در عزم و اراده و تسلط کامل در افعال است زیرا نباید ضرر بر دیگران وارد کند، یا انجام عملی که به زیان دیگران تمام شود. از آنجا که انسان آزاد آفریده شده، نباید برده و اسیر دیگران باشد و در مقابل هیچ کس، جز آفریننده‌ای که حیات را به او عطا کرده نباید بندگی کند. عبودیت و بندگی او فقط در مقابل خداوند، شایسته انسانیت اوست که این امر نیز براساس فطرت او تنظیم شده است. پس مراد از آزادی در اسلام، مطلق العنان بودن نیست که شخص هر کاری را خواست انجام دهد. آزادی اراده و عمل براساس خواهش‌های نفسانی، همانا بی بندوباری و تبهکاری است، نه آزادی انسانی؛ زیرا این گونه تصمیم‌گیری و عمل کردن گام نهادن در حیطه حیات دیگران یا محدود کردن و به خطر انداختن آزادی افراد دیگر است. (یدالله پور و مودب، ۱۳۹۳)

۳. تربیت اخلاقی مبتنی بر لحاظ رعایت حقوق عادلانه و مساوی برای دیگران در حیات اجتماعی "الزام کرامت انسانی"

سومین مورد از الزامات کرامت انسانی لحاظ نمودن حقوق عادلانه و مساوی برای دیگران است. از دیدگاه تفکر قرآنی، خداوند پیامبران را مأمور ساخت تا قوانین عادلانه‌ای برای تنظیم روابط انسان‌ها وضع نمایند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ.» (مائده / ۸)

"ای کسانی که ایمان آورده اید، بخاطر خدا قسط را بر پا دارید و شهادت به عدل بدهید و دشمنی با گروهی شما را به انحراف از حق نکشاند، عدالت کنید که آن به تقوی نزدیکتر است و از خدا بترسید که خدا از آنچه می کنید باخبر است."

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ.» (حجرات / ۱۳)

"ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (اینها ملاک امتیاز نیست) گرمی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست خداوند دانا و آگاه است!"

لذا به تعبیر مطهری، اسلام دینی است که همه مردم را مانند برادرانی پشتیبان یکدیگر قرار داده است و کسی را برده دیگری یا گروهی را برتر از گروهی دیگر قرار نداده است و همه انسان‌ها از هر جنس و نژاد را برابر و مساوی یکدیگر قرار داده است. (یدالله پور و مودب، ۱۳۹۳)

و این تساوی انسان‌ها در گوهر انسانیت و کرامت ذاتی، تساوی انسان‌ها در قابلیت نیل به سعادت جاوید و کسب ارزش‌ها و کرامت اکتسابی است. (یدالله پور و مودب، ۱۳۹۳) بنابراین در اسلام به شخصیت هر فرد به صورت مستقل توجه شده است، در این جهت رعایت احکامی در جهت تربیت اخلاقی افراد نیز تشریح شده است:

۱. هرگونه عملی که به شخصیت افراد لطمه وارد کند ممنوع است. غیبت، تجسس، عیب‌جویی، مسخره کردن، طعنه زدن، سخن‌چینی کردن، تهمت از مواردی است که به آبروی انسان محترم زیان می‌رساند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ ... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا.» (حجرات / ۱۲ - ۱۱)

"ای کسانی که ایمان آورده‌اید نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند شاید آنها از اینها بهتر باشند و نباید زنانی زنان [دیگر] را [ریشخند کنند] شاید آنها از اینها بهتر باشند و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقبهای زشت مدهید، ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمانها بپرهیزید که پاره‌ای از گمانها گناه است و جاسوسی مکنید و بعضی از شما غیبت بعضی نکند."

۲. اصل اولی در مورد هر انسان برائت است از این رو نمی‌توان افراد را به جرمی متهم نمود و آنان را سرزنش و مجازات کرد:

«وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا.» (نساء / ۱۱۲)

"هر کس خطا یا گناهی مرتکب شود سپس آن را به بی‌گناهی نسبت دهد قطعاً بهتان و گناه آشکاری بر دوش کشیده است."

لذا تهمت زدن به فرد بی‌گناه، از زشت‌ترین کارهایی است که اسلام آن را به شدت محکوم کرده است، (یدالله پور و مودب، ۱۳۹۳)

الگوی پیاده‌سازی تربیت اخلاقی مبتنی بر الزامات کرامت انسانی از دیدگاه مطهری در شکل زیر فراهم شده است:

تربیت اخلاقی مبتنی بر الزامات کرامت انسانی مطهری



شکل (۱) بیان مفهومی تربیت اخلاقی مبتنی بر الزامات کرامت انسانی دیدگاه مطهری

بحث

تربیت اخلاقی مبتنی بر الزامات کرامت انسان از دیدگاه کانت

۱. تربیت اخلاقی مبتنی بر رفتار با خویشتن

از الزامات کرامت انسان در اندیشه کانت، در رفتار با خویشتن است زیرا نحوه رفتار درست فرد با خود از نیروهای کرامت بخش و زمینه ساز تربیت اخلاقی وی می باشد. کانت از "خودحرمتی" انسان یاد می کند. فرد باید خود احترام خویشتن را حفظ کند. لذا فرد نباید انسانیت خود را تبدیل به جسد کند. بلکه باید از افعالی که کرامت او را خدشه دار می کند مانند خودکشی، وعده کاذب، راحت طلبی و خوش گذرانی و کمک نکردن به افراد نیازمند و بدبخت خودداری کند. (کانت، ۱۳۸۸) زیرا هدف انسان کمک به سعادت خویش است. پس نباید آزادی و قوای خود را بر علیه خویش و شخصیت خود به کار گیرد زیرا شخص انسان غایت است نه وسیله پس انسان باید از قوای خود در جهت بقای خویش استفاده کند تا از این طریق شرط اجرای هرگونه تکلیف از وی سلب نگردد زیرا تکالیف انسان نسبت به خویش شرط و پایه و اساس مراعات تکالیف نسبت به دیگران و هموعان است (کانت، ۱۳۸۸) و این خود از مصادیق دست یافتگی به تربیت اخلاقی و اصلاح نفس در فرد می باشد.

۲. تربیت اخلاقی مبتنی بر رفتار با دیگران

از دیگر الزامات کرامت انسان در اندیشه کانت، رفتار با دیگران است زیرا نحوه رفتار با دیگران از نیروهای کرامت بخش و زمینه ساز تربیت اخلاقی انسان است. کانت، احترام شخص نسبت به دیگران را به سه صورت تبیین می دارد:

الف. تربیت اخلاقی مبتنی بر احترام به دیگران

از منظر کانت، تحقق تربیت و اخلاق مداری فرد در گرو احترام گذاشتن به آزادی و کرامت اشخاص دیگر است به نحوی که هیچ نگاه و برداشت وسیله ای وجود نداشته و فقط شخصیت اشخاص مد نظر قرار گیرد و نیز اجتناب از استفاده ابزاری از دیگران برای رسیدن به اهداف خود و این نحوه احترام به تمام موجوداتی که عقلانیت دارند تعلق می گیرد، بدون توجه به موقعیت شغلی و منزلت اجتماعی که دارند. لذا تحقق تربیت اخلاقی مد نظر کانت منوط به وجوب احترام به اشخاص است زیرا هر فردی که به اصلاح نفس و تربیت اخلاقی دست یافته مکلف و عهده دار پذیرفتن کرامت اشخاص دیگر است. (سالیوان، ۱۳۸۹) به دلیل اینکه انسان خودآیین است بدین معنی که برخوردار از توان و ظرفیتی است که اراده یا نیت خیر در او پرورش یابد. لذا کانت ستایش اخلاق را مد نظر دارد، پس در تفکر تربیتی کانت، هر فردی به همان اندازه که حق احترام دیدن از دیگران را دارد، دیگران نیز به همان اندازه در احترام دیدن از او محق هستند.

(سالیوان، ۱۳۸۹) بنابراین نفس اصلاح یافته و دست یافته به تربیت اخلاقی ناخودآگاه در برابر اشخاص دیگر که از شرافت اخلاقی بالاتری برخوردارند، سر تعظیم فرود می آورد. اما این عملی درونی است زیرا بنابر نظر فونتل خود من در برابر یک مرد بزرگ تعظیم می کنم اما روحم نه. (کانت، ۱۳۸۹)

ب. تربیت اخلاقی مبتنی بر نیکخواهی برای دیگران

به عقیده کانت، تربیت عملی در این راستا آنست که به موجب شرط اخلاقی قانون عام، نیکخواه باشیم و دیگران را نیز همگی مشمول نیکخواهی خود کنیم. (سالیوان، ۱۳۸۹) یعنی باید به دیگران محبت اخلاقی داشته باشیم، فرد دست یافته به تربیت اخلاقی باید دغدغه‌ی امیال و نیازهای دیگران را به دل بگیرد زیرا دست یابی انسان به اصلاح نفس و تحقق تربیت اخلاقی در فرد مستلزم آنست که نیکخواهی به صورت عملی باشد یعنی در اختیار کردن ضابطه نیکوکاری ظاهر شود، به معنای نیکخواهانه عمل کردن و کمک به خوشی و آسایش دیگران. لذا هر فردی تا زمانی که به دیگران یاری نرساند و به آنان احترام کافی نگذارد به تربیت اخلاقی و اصلاح نفس دست نیافته. بنابراین از مصادیق دست یافتگی فرد به تربیت اخلاقی و اصلاح نفس آنست که هر فردی باید منافع دیگران را منافع خویش بداند و اخلاقاً موظف است کمک کار دیگران باشد تا مانند عاملانی آسیب پذیر و منفعل زندگی نکند. و همین نیکخواهی و نیکوکاری وظیفه‌ی ایجابی احترام به دیگران است. لذا تربیت اخلاقی فرد را موظف می کند که به دیگران عملاً یاری برساند. (سالیوان، ۱۳۸۹)

ج. تربیت اخلاقی مبتنی بر کیفرگرایی به عنوان وظیفه‌ی اجتماعی

لازمه تربیت اخلاقی در موقعی که فردی از آزار و رنجاندن مردم صلح جو لذت می برد، تنبیه و کیفر است زیرا چنین تنبیهی فی نفسه خیر است. در نظر کانت در تربیت اخلاقی، تنبیه و مجازات باید با دو اصل مطابقت داشته باشد: نخست آنکه صرفاً به دلیل رنجی که بر دیگران تحمیل کرده است باید آنرا تحمل کند نه به دلیل دیگر. ثانیاً، اینکه تنبیه و مجازات متناسب با آزار و جرم باشد. (ریچلز، ۱۳۹۲) زیرا در دیدگاه کانت، اخلاق و حقوق دیگران در مرتبه‌ی قداست قرار دارد. بنابراین هر فرد برای دست یافتن به تربیت اخلاقی و اصلاح نفس باید اول خویشتن را به عنوان موجود غایی تصور کند و بعد دیگران را.

الگوی پیاده‌سازی تربیت اخلاقی مبتنی بر الزامات کرامت انسانی از دیدگاه کانت در شکل زیر فراهم شده است:

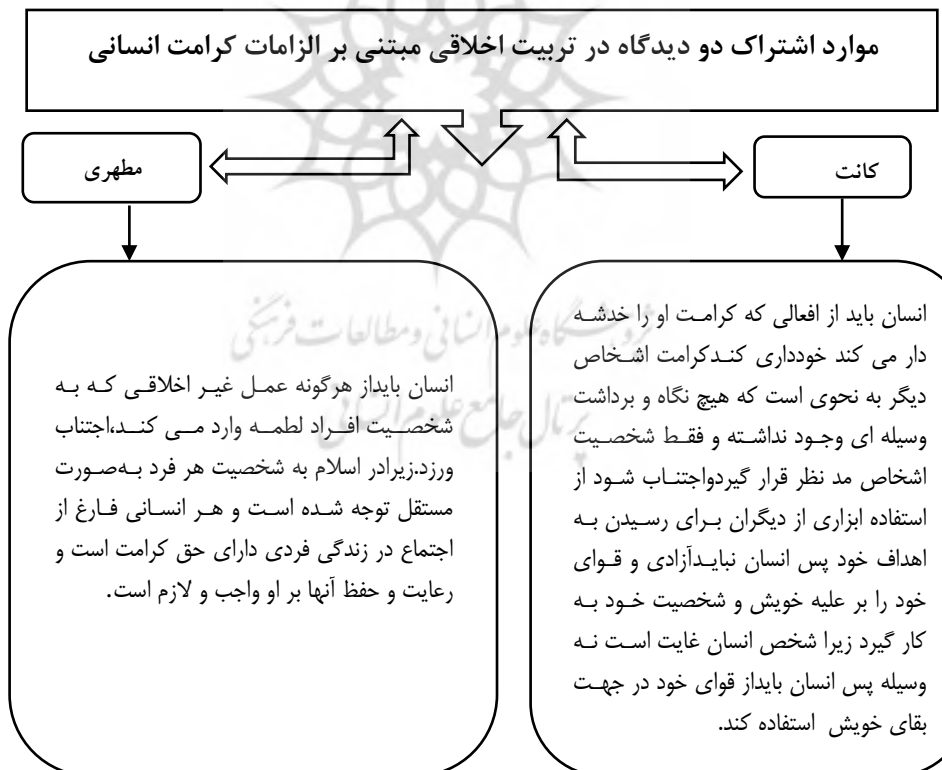
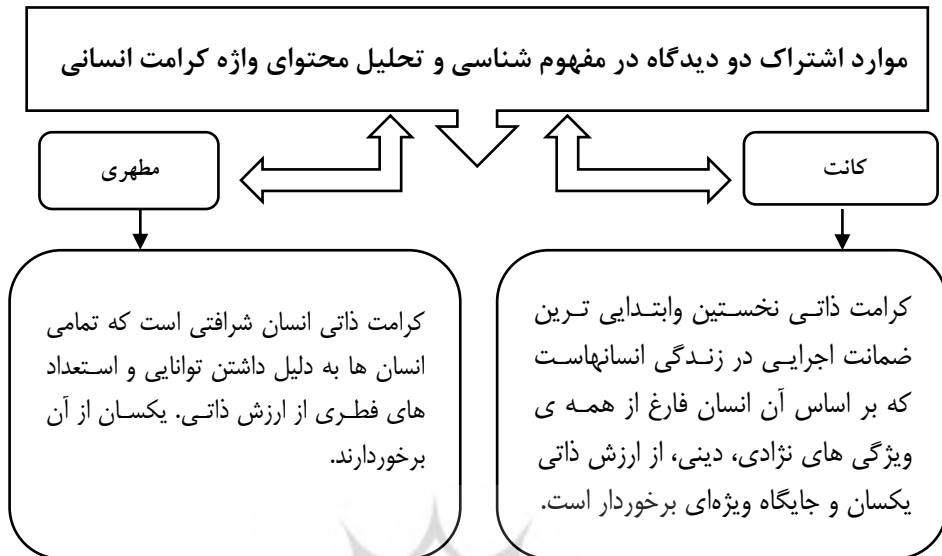
تربیت اخلاقی مبتنی بر الزامات کرامت انسانی کانت



شکل (۲) بیان مفهومی تربیت اخلاقی مبتنی بر الزامات کرامت انسانی دیدگاه کانت

نتیجه‌گیری

هر دو اندیشمند کانت و مطهری، در مفهوم‌شناسی و تحلیل محتوای واژه کرامت معتقد به کرامت ذاتی انسانی هستند و آنرا الزامی می‌دانند. لذا در اندیشه کانت، کرامت ذاتی نخستین و ابتدایی‌ترین ضمانت اجرایی در زندگی انسانهاست که بر اساس آن انسان فارغ از همه ی ویژگی‌های نژادی، دینی، از ارزش ذاتی یکسان و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و در اندیشه مطهری، کرامت انسانی عبارت است از اینکه انسان به ما هو انسان عزیز و شریف و ارجمند است و نیز در تدوین حقوق بشر آنچه مبنای اصلی قرار گرفته است ملاحظه انسان است از آن حیث که انسان است، نه معیارهایی چون رنگ، نژاد، زبان، جغرافیا، طبقه اجتماعی، اعتقاد دینی که این امور، هیچ کدام در نگاه آنان ذاتی انسان‌ها نیستند و به تعبیر مطهری این اعلامیه نمی‌گوید، مؤمنان برابرند یا هم‌وطنان برابرند بلکه بیان می‌دارد انسان‌ها برابرند. بنابراین کرامت ذاتی انسان شرافتی است که تمامی انسان‌ها به دلیل داشتن توانایی و استعداد های فطری از ارش ذاتی یکسان از آن برخوردارند. اما کرامت از نگاه مطهری محصور به کرامت ذاتی نیست و هر دو اندیشمند کانت و مطهری، در تربیت اخلاقی مبتنی بر الزامات کرامت انسانی معتقدند انسان باید از افعالی که کرامت او را خدشه دار می‌کند خودداری کند و هرگونه عمل غیر اخلاقی که به شخصیت افراد لطمه وارد می‌کند، اجتناب ورزد. لذا در اندیشه کانت، کرامت اشخاص دیگر به نحوی است که هیچ نگاه و برداشت وسیله‌ای وجود نداشته و فقط شخصیت اشخاص مد نظر قرار گیرد و اجتناب شود از استفاده ابزاری از دیگران برای رسیدن به اهداف خود پس انسان نباید آزادی و قوای خود را بر علیه خویش و شخصیت خود به کار گیرد زیرا شخص انسان غایت است نه وسیله پس انسان باید از قوای خود در جهت بقای خویش استفاده کند و نیز در اندیشه مطهری، به شخصیت هر فرد به صورت مستقل توجه شده است زیرا هر انسانی فارغ از اجتماع در زندگی فردی دارای حق کرامت است و رعایت و حفظ آنها بر او واجب و لازم است. بنابراین یک نمودار از هر دو دیدگاه می‌تواند به صورت زیر ترسیم شود:



فهرست منابع

۱. آشور ماهانی، عباس. ۱۳۹۲. کرامت انسانی از دیدگاه علامه مرتضی مطهری و علامه محمد تقی جعفری، دانشگاه مازندران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
۲. حسینی، سیدسعید. ۱۳۸۸. آینده بشریت. از دیدگاه شهید مطهری، تهران؛ انتشارات موسسه امام خمینی، چاپ دوم.
۳. رحیمی نژاد، اسماعیل، ۱۳۹۰. "نگرش اسلامی نسبت به کرامت انسانی" فصلنامه فکر عمومی، شماره ۲، سال اول.
۴. رضوانی پور، مهدی. ۱۳۸۶. کرامت انسان از دیدگاه قرآن، مجله کرامت، شماره ۲.
۵. صالح پرور، سیمین. ۱۳۹۴. کرامت نفس و معنا داری زندگی از دیدگاه علامه طباطبایی، دانشگاه پیام نور استان تهران - دانشکده علوم انسانی.
۶. صناعی دره بیدی، منوچهر. ۱۳۸۴. جایگاه انسان در اندیشه کانت، تهران، ققنوس.
۷. صناعی، محمود. ۱۳۵۴. آزادی و تربیت. تهران، امیر کبیر - چاپ سوم.
۸. عابدین پور، محمد. ۱۳۸۹. بررسی و تبیین نظری کرامت انسان در تربیت اسلامی از دیدگاه علامه محمدحسین طباطبایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۹. معتمدی، رسول. ۱۳۹۰. کرامت نفس و آثار اخلاقی و اجتماعی آن در کلام امیرالمومنین (ع)، دولتی - دانشگاه پیام نور (وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری) - مرکز پیام نور تهران - دانشکده الهیات.
۱۰. محمدپور دهکردی، سیما، اکبریان، رضا، اعوانی، شاهین. ۱۳۹۱. "رابطه بین عقلانیت و عزت نفس در ملاصدرا و فلسفه کانت"، فصلنامه دانش فلسفی، شماره ۴، ششم، ص. ۱۱-۳۶.
۱۱. مطهری، مرتضی. ۱۳۹۳. یادداشت‌های استاد، جلد ۱۲، قم؛ انتشارات صدرا، چاپ اول.
۱۲. مطهری، مرتضی. ۱۳۸۹. انسان در قرآن، ج ۴. تهران؛ انتشارات صدرا، چاپ سی و پنجم.
۱۳. مطهری، مرتضی. ۱۳۷۹. یادداشت‌های استاد مطهری، تهران، صدرا.
۱۴. مطهری، مرتضی. ۱۳۹۲. فلسفه اخلاق تهران، صدرا چاپ سی و پنجم.
۱۵. مطهری، مرتضی. ۱۳۷۶. تکامل اجتماعی انسان، تهران؛ انتشارات صدرا.
۱۶. مطهری، مرتضی. ۱۳۸۵. حکمتها و اندرزها، تهران، صدرا، چاپ دوم.
۱۷. مطهری، مرتضی. ۱۳۸۲. آشنایی با قرآن جلد ۳، تهران؛ صدرا.
۱۸. مطهری، مرتضی. ۱۳۷۸. مجموعه آثار ج ۱، تهران؛ صدرا.
۱۹. وزیر، مجید، عابدی، محبوبه. ۱۳۹۵. ساخت قاعده فقهی کرامت، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال دوازدهم شماره ۴۴.
۲۰. یدالله پور، بهروز، مودب، رضا. ۱۳۹۳. کرامت انسان و الزامات آن از منظر قرآن کریم، فصلنامه تفسیری، سال پنجم، شماره ۱۷.